

در گفت‌وگو با مدیران سابق پایگاه بیابان لوت مطرح شد:

بیابان جهانی و بی‌سر و سامان لوت!



✳️ **اسما پورزنگی آبادی**

هشت سال پیش در اتفاقی تاریخی، بیابان لوت به‌عنوان نخستین میراث طبیعی ایران در فهرست جهانی یونسکو ثبت شد. رویدادی درخشان در کارنامهٔ محیط‌زیستی و فرهنگی کشور.

اما ثبت جهانی تاکنون نتوانسته بر حفاظت و بهره‌برداری از این پهنهٔ گسترده تأثیر قابل‌قبولی بگذارد. در این مدت مدید، نه ساختار مدیریتی مشخصی برای بیابان لوت شکل گرفته، نه نهاد مشخصی مسئولیت این بیابان را زآلود را پذیرفته و نه برنامه‌ای مدون برای حفاظت و توسعهٔ پایدار به اجرا درآمده است. ثبت جهانی، در بهترین حالت تبدیل به یک تندیس افتخار شده که مقامات در مراسم‌های خاص آن را بالای سر بگیرند!

بیابان لوت میان سه استان پهناور کرمان، خراسان جنوبی، و سیستان و بلوچستان گسترده شده است. این گستردگی جغرافیایی، اگرچه از منظر تنوع طبیعی مزیت محسوب می‌شود اما از نگاه مدیریتی به معضل بدل شده است. در غیاب یک ساختار مرکزی و ناظر بودجه‌دار و صاحب اختیار، هر استان ساز خود را می‌زند. دستگاه‌های متعدد اعم از منابع طبیعی، میراث فرهنگی، محیط‌زیست، فرمانداری‌ها و شوراهای محلی شهر و روستا همه در این بازی سهمیه هستند اما هیچ کدام مسئولیت نهایی را به گردن نمی‌گیرند.

در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از جهانی شدن، تب گردشگری کویر بالاگرفته است. از تورهای آفرود گرفته تا کمپ‌های شب‌مانی، همه و همه به‌سوی لوت سرازیر شده‌اند اما بدون ضابطه و برنامه.

تاکنون ارزیابی مشخصی از ظرفیت تحمل اکولوژیک لوت انجام نشده است. مقررات و قوانین مدون و کافی برای مسیرهای تردد و آفرود، محل کمپ‌ها، تعیین تکلیف پسماندها و بسیاری از مسائل دیگر وجود ندارد و یا اگر هست به خوبی اجرا نمی‌شود.

در نتیجه، گردشگران اغلب ندانسته از مسیرهایی عبور می‌کنند که باید حفاظت می‌شدند، گونه‌هایی را تهدید می‌کنند که باید مصون می‌ماندند و چشم‌اندازهایی را تخریب می‌کنند که روزی معیار ثبت جهانی بوده‌اند.



جای خالی متولی

در آستانهٔ شروع سال نهم جهانی شدن لوت، دکتر مهران مقصودی - عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدیر سابق پایگاه ملی میراث جهانی لوت در پاسخ به این پرسش فردای کرمان که از انبوه مسائل و چالش‌هایی که این بیابان با آن دست به گریبان است، کدام یک مهم‌ترین دغدغهٔ این روزهای شماسنت می‌گوید: «مهم‌ترین دغدغه‌ای که دارم این است که بیابان لوت متولی مشخصی ندارد».

او توضیح می‌دهد: «وزارت میراث فرهنگی آن قدر مسئله و گرفتاری دربارهٔ محوطه‌های باستانی و تاریخی دارد که دیگر مجالی برای آثار طبیعی نمی‌یابد. بماند که به محوطه‌ها و بناهای باستانی و تاریخی هم، به‌دلیل نبود یا کمبود بودجه به نحو مطلوب رسیدگی نمی‌شود».

او با بیان اینکه دربارهٔ لوت اگر برنامهٔ مدیریتی وجود دارد اجرا نمی‌شود، اظهار می‌کند: «می‌خواهم بگویم بیابان متولی شش‌دانگ ندارد و این، مهم‌ترین مشکل لوت است».

مقصودی سپس بیان می‌کند: «البته همهٔ نقش و وظیفه را نمی‌توانیم به عهدهٔ وزارتخانه بگذاریم و بگوییم مدیریت از بالا باید صورت

گیرد. در جهان مدل‌های متعدد مدیریتی وجود دارد از جمله مدیریت جامعه‌محور یا مدیریت بومی محور. نمونه‌ای از مدیریت بومی محور در مناطقی از جمله دیوارهٔ ساحلی مرجانی استرالیا که جزو میراث جهانی طبیعی است وجود دارد که ادارهٔ آن را به مردم بومی داده‌اند که با همکاری سایر نهادها فعالیت می‌کنند».

او می‌افزاید: «در برخی موارد سیستم مدیریتی دولتی. بومی یا دولتی. محلی وجود دارد. متأسفانه ما هیچ یک از این سیستم‌های مدیریتی را در لوت نداریم».

مقصودی با بیان اینکه مشارکت جامعهٔ محلی هم خیلی پررنگ نیست، اذعان می‌کند: «اگر سمن‌های قوی داشته باشیم که آموزش دیده باشند و حد و حدود خود را بدانند و در راه حفاظت قدم بردارند می‌توانند موثر عمل کنند».

وی در ادامه چشمهٔ باداب‌سورت در ساری در شمال ایران را مثال می‌زند و توضیح می‌دهد: «این چشمه رها بود و با ماشین و تراکتور و نیسان روی آن می‌رفتند. مردم محلی تصمیم گرفتند به گردشگرانی که از این چشمه بازدید می‌کنند خدمات بدهند. پارکینگی درست کردند و با ماشین‌های شاسی‌بلند بازدیدکنندگان را به محل چشمه می‌بردند. این کار برای آن‌ها درآمدی ایجاد کرد و در کنار آن توانستند محصولات محلی خود را نیز بفروشند. پس از مدتی، مردم محلی به این باور رسیدند که فقط اگر این سایت وجود داشته باشد کسب‌وکارشان رونق دارد بنابراین خودشان حفاظت از آن را برعهده گرفتند».

او با بیان اینکه مدیریت این اثر به یک نهاد مردمی سپرده شده است، اظهار می‌کند: «یکی از اقداماتی که انجام داده‌اند این است که اطراف آن محدوده‌ای از این اثر که حساسیت بالاتری دارد زنجیری نصب کرده‌اند که با کم‌ترین اشارهٔ دست، صدای زنگ هشدار آن بلند می‌شود».

مقصودی بیان می‌کند: «برای منطقه‌ای کوچک این اقدامات جواب می‌دهد و برای بیابانی بزرگ مثل لوت که ۹۰ کیلومتر حریم و ۸۷۰ کیلومتر عرصه دارد نیاز به مشارکت گسترده‌تری داریم اما به هر حال این الگوها و تجربه‌ها در سطح ملی و جهانی وجود دارد و می‌توانیم از آن کمک بگیریم».

گردشگری رها

عضو هیات علمی دانشگاه تهران سپس با تأکید بر اینکه نه تنها برنامهٔ مدیریتی برای لوت نداریم بلکه برنامهٔ گردشگری هم نداریم، ادامه می‌دهد: «تورهایی که می‌خواهند وارد بیابان شوند مشخص نیست از کدام درگاه باید وارد شوند؟ چه تعداد باید باشند؟ چند شب باید بمانند؟ اطلاعات‌شان کجا باید ثبت شود؟».

وی می‌افزاید: «منطقهٔ عمومی لوت از سمت شهداد اصلاً کنترل نمی‌شود. ردّ چرخ ماشین بر زمین بیابان به‌وفور مشاهده می‌شود، زباله‌های فراوانی به چشم می‌خورد، با پراید تا کاندوم بریان می‌روند!».

مقصودی اظهار می‌کند: «در دورانی که در پایگاه ملی لوت مسئولیت داشتیم با کمک

همکارانم سنگ‌بنای گیت ورودی به بیابان لوت را گذاشتیم که باید اجرایی شود».

او با بیان اینکه محدودهٔ گردشگری عمومی شاید نهایت ۱۰ درصد از کل وسعت بیابان لوت باشد اما باید مدیریت شود، اضافه می‌کند: «ماشین‌های آفرود که از سمت خراسان جنوبی وارد می‌شوند مسیر مشخصی را طی نمی‌کنند. شنیدم قبل از پاسگاه انتظامی ده‌سلم وارد می‌شوند چون اگر از پاسگاه بیایند به مجوز نیاز دارند. خیلی‌ها هم از نهادهای دیگری مجوز می‌گیرند که مجموعهٔ (پایگاه) بیابان لوت از آن بی‌اطلاع می‌ماند».

وی با اذعان به تخریب بیابان توسط آفرودسوار بی‌ضابطه، یکی دیگر از چالش‌های حفاظت از لوت را نبود قوانین کافی ذکر کرده و می‌گوید: «برای مدیریت نه فقط بیابان لوت بلکه کلامیراث طبیعی و زمین‌شناختی ایران قوانین کافی نداریم؛ قوانینی که قابل اجرا باشند و از دست‌اندازی به این آثار جلوگیری کنند».

وی با تأکید بر اینکه تهدیدات لوت بسیار زیاد است، اظهار می‌کند: «باید به نظام مدیریتی بیابان لوت سروسامانی بدهیم و آن را اجرایی کنیم».

مقصودی یادآور می‌شود: «مسئولین محلی از جمله بخشداران و دهیاران باید در مدیریت و حفاظت از این بیابان مشارکت داشته باشند و بداندن وظیفه‌شان چیست شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی بزرگ نیز باید از این بیابان حمایت کنند و همه بپذیرند که در قبال استفاده‌ای که از لوت می‌کنند تعهد مسئولیت اجتماعی دارند».

سرنوشت پایگاه

مقصودی در پاسخ به این پرسش فردای کرمان که شما می‌گویید بیابان لوت متولی مشخصی ندارد اما پایگاه میراث جهانی لوت در سطح ملی و در استان‌ها را داریم، می‌خواهید بگویید این پایگاه‌ها نتوانسته‌اند در امر مدیریت بیابان موفق عمل کنند؟ می‌گوید: «پایگاه، محدودیت‌های زیادی داشت و از همه مهم‌تر اینکه نیروی انسانی کافی و بودجهٔ کافی نداشت. بعد از چندین سال فعالیت، تازه به‌عنوان متولی تا اندازه‌ای مورد قبول گروه‌های مختلف قرار گرفته بود ولی الان فکر نمی‌کنم پیشرفت‌هایی که داشتیم محلی از اعراب داشته باشد و همه چیز رها شد».

او با بیان اینکه پایگاه میراث جهانی ملی را در تهران و سه پایگاه هم در استان‌ها داشتیم، می‌افزاید: «در حال تشکیل چند پایگاه محلی در کرمان هم بودیم که به دلیل نبود ساختار و بودجه نتوانستیم آن را به سرانجام برسانیم».

مدیر سابق پایگاه ملی میراث جهانی بیابان لوت ادامه می‌دهد: «ما به عنوان پایگاه میراث جهانی لوت حتی یک تابلو کنار کلوتر داشتیم و نیکاه نمی‌توانستیم نصب کنیم چون در آن شرایط باد و آفتاب به تابلوهای خاصی نیاز بود که هزینه داشت و نمی‌توانستیم هزینهٔ آن را تأمین کنیم».

وی اظهار می‌کند: «مرکز تفسیر و مرکز بازدیدکنندهٔ بزرگی نداشتیم. آقای کلانتری و دیگر دوستان در هتل پایاب شهداد در این زمینه اقدامی انجام دادند و مرکز تفسیری

راه‌اندازی کردند اگرچه این مرکز در برابر عظمت بیابان لوت کوچک است ولی راه‌اندازی آن نشان داد که ورود جامعهٔ محلی و ذی‌نفعان چقدر خوب جواب می‌دهد. چندین سال از میراث فرهنگی می‌خواستیم تا مرکز تفسیر در قلعهٔ شفیع‌آباد یا محل میراث فرهنگی شهداد ایجاد کند ولی همین کار را هم نکرد».

مقصودی می‌گوید: «برای مدیریت لوت ابتدا باید تمام ذی‌نفعان بیابان را شناسایی کنیم. ما در این زمینه اقداماتی انجام دادیم ولی این کارها باید به‌صورت مستمر و مداوم باشد تا مشارکت همگان را جلب کنیم و به هر یک از بازیگران عرصهٔ لوت مسئولیتی هم بدهیم».

وی اضافه می‌کند: «علاوه بر برنامهٔ مدیریتی، یک برنامهٔ اقدام وجود دارد که مشخص می‌کند چه کسی چه مسئولیتی را بپذیرد و چه اقدامی در راستای آن انجام دهد. به‌عنوان مثال، در حوزهٔ آموزش و معرفی باید مشخص شود چه نهادهایی مسئولیت دارند؟ باید بدانیم برنامهٔ پژوهش علمی در بیابان لوت چیست و چه باید کرد؟ لوت بسیار ناشناخته‌ها دارد و نیاز به پژوهش عمیق دارد».

عضو هیات علمی دانشگاه تهران ادامه می‌دهد: «در بخش‌های مختلف قدم‌هایی از سوی پایگاه برداشته شد. ولی براساس نظام‌نامهٔ پایگاه‌های ملی و جهانی، اختیارات شورای راهبردی به استان‌ها واگذار شد و همین به هویت پایگاه‌ها ضربه زد».

وی توضیح می‌دهد: «یکی از دلایل تشکیل پایگاه‌ها این بود که به دلیل مشغلهٔ فراوان ادارات کل استانی، کارهای لوت را پیش ببرند ولی با تغییراتی که ایجاد شد پایگاه‌ها زیرمجموعهٔ ادارات کل میراث فرهنگی قرار گرفتند و هویت خود را از دست دادند. الان اگر اقدامی در حوزهٔ لوت بخواهد انجام شود کمیتهٔ فنی استان یا شورای راهبردی باید تشکیل جلسه بدهد که خیلی هم فعال نیست».

او با بیان اینکه در حال حاضر پایگاه میراث جهانی بیابان لوت در تهران فعال نیست، اظهار می‌کند: «مگر ما چند اثر طبیعی جهانی در کشور داریم که این گونه عمل می‌کنیم؟».

مقصودی می‌گوید: «نمی‌خواهم بگویم پایگاه موفق بوده است. به دلیل مشکلات و محدودیت‌ها نتوانستیم همهٔ برنامه‌ها را اجرا کنیم ولی همان پایگاه هم الان دیگر نیست!».

وی تصریح می‌کند: «بارها گفته‌ام که برای مدیریت بیابان لوت و حل مشکلات و محدودیت‌ها، مسئولان باید در عالی‌ترین سطح درگیر شوند».

خلاء مدیریت یکپارچه

از معین افضلی - مدیر سابق پایگاه میراث جهانی لوت در کرمان هم خواستم تا بگوید که مهم‌ترین دغدغهٔ این روزهای دربارهٔ این اثر چیست؟ او با بیان اینکه مشکلات بیابان لوت خیلی زیاد و متنوع هستند، می‌گوید: «آنچه که اهمیت بسیار دارد این است که وزارت میراث فرهنگی درک درستی از بیابان لوت به‌عنوان اولین میراث طبیعی که ثبت جهانی شده داشته باشد و برای آن وقت و بودجه بگذارند اما متأسفانه شاهدیم که درک درستی از بیابان لوت وجود ندارد».

وی می‌افزاید: «از همان سال اول ثبت جهانی این را گفتیم که برای بیابان لوت چارت سازمانی کامل و مطلوبی وجود ندارد. لوت تنها سایت جهانی در ایران است که برای ورود به آن هیچ ورودی پرداخت نمی‌شود. ساختمان گیت ورودی در منطقهٔ شهداد تقریباً تکمیل شده ولی اجرایی نشده است».

وی ادامه می‌دهد: «از زمان ثبت جهانی تاکنون اقداماتی در بیابان لوت انجام شده ولی هیچ‌یک منظم و در قالب چارت سازمانی مشخص و برنامه‌ای جامع نبوده است».

وی با بیان اینکه کرمان در این حوزه از خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان جلوتر است، اظهار می‌کند: «در برخی از این استان‌ها بعد از این همه سال هنوز مدیر ثابتی برای پایگاه لوت نداریم».

این فعال گردشگری می‌گوید: «توسعهٔ گردشگری در پیرامون بیابان لوت در استان کرمان را داشتیم و هتل‌ها و اقامتگاه‌های بوم‌گردی متعددی فعال شده‌اند اما متأسفانه سایر زیرساخت‌های مورد نیاز هم‌زمان شکل نگرفته است».

وی تصریح می‌کند: «در مجموع باید بگویم که نبود مدیریت یکپارچهٔ بیابان لوت بزرگ‌ترین معضل است».



غفلت وزارت میراث فرهنگی

افضلی در پاسخ به این پرسش که منظوراتان از مدیریت یکپارچه، مدیریت واحد بین سه استان مجاور لوت است یا بین نهادهای متعددی که مسئولیت در برابر لوت دارند؟ اظهار می‌کند: «در سه استان مجاور بیابان که باید مدیریت یکپارچه باشد ولی در خود استان کرمان دستگاه‌های تصمیم‌گیرندهٔ لوت هر کدام کار خود را انجام می‌دهند و به صورت یکپارچه عمل نمی‌کنند».

وی ادامه می‌دهد: «به‌عنوان مثال باید بگویم که ما بزرگ‌ترین عرصهٔ جهانی را داریم که شهرداری و دهیاری و بخش‌داری در آن نقشی ندارند یکی از مشکلات بیابان لوت حجم بالای زباله‌هاست. حتی مشخص نیست که چه نهادی باید زباله‌ها را جمع‌آوری و از بیابان خارج کند».

مدیر سابق پایگاه لوت در استان کرمان خاطرنشان می‌کند: «وزارت میراث فرهنگی به عنوان متولی که بیابان را ثبت جهانی کرده باید امور را جهت‌دهی کند ولی متأسفانه این نگاه وجود ندارد». وی اضافه می‌کند: «در استان بیش از این نمی‌شود کاری کرد تا زمانی که خود وزارتخانه نخواهد کاری اساسی برای این بیابان انجام دهد». به گزارش فردای کرمان، بیابان لوت یک زیست‌بوم شکننده است. تصور غلطی وجود دارد که چون اینجا بیابان است، تخریب‌پذیر نیست. در حالی که اثرات هر مداخله‌ای، حتی یک جاده‌سازی کوچک یا ورود بی‌رویهٔ گردشگران ممکن است تا صدها سال باقی بماند. تا زمانی که میان نهادهای مسئول در سه استان ذی‌ربط تقسیم کار روشن و ضابطه‌مندی صورت نگیرد و مرجع نهایی تصمیم‌گیری و مسئول اصلی مدیریت و حفاظت لوت مشخص نشود و بودجه و امکانات و اختیارات و قوانین لازم برای لوت تعریف نشود این بیابان با تمام شکوهش همین‌طور غریبانه به حیات خود ادامه خواهد داد.

آنچه که اکنون در غیاب برنامه‌ریزی و مدیریت موثر، به حال خود رها شده است گنجینه‌ای از اسرار زمین‌شناسی و اقلیم‌شناسی است؛ سندی زنده از تاریخ طبیعی این سرزمین که جهانی شده است.